



## مقدمه

مدیریت درآمدها، به‌ویژه زمانی که درآمدها به‌طور مکرر به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های مناسب کیفیت گزارش مالی (FRQ)<sup>۱</sup> در نظر گرفته می‌شوند، از اهمیت بالایی برای سهامداران شرکت برخوردار است، چراکه ارقام تعهدی حسابداری در مورد کیفیت گزارش مالی آگاهی‌دهنده می‌باشند. با این حال، ارقام تعهدی ممکن است به خاطر دستکاری و انحراف احتمالی، به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های غیرقابل اطمینان کیفیت گزارش مالی نیز عمل کنند. کیفیت حسابرسی نقش مهمی در مدیریت کاهش درآمدها ایفا می‌کند چراکه حسابرس‌ها یک وظیفه‌ی تأیید در رابطه با اعتبار وضعیت مالی بر عهده‌دارند. بعلاوه، از آنجایی که وام بر روی اجراهای مدیریتی و انتخاب گزارش‌ها تأثیر می‌گذارد، همکاری بین وام و کیفیت گزارش مالی به ارقام تعهدی وابسته می‌باشد؛ بنابراین بررسی کیفیت حسابرسی و تأمین مالی از طریق بدهی با مدیریت سود واجب است زیرا که احتمال دارد کیفیت گزارش مالی را تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین ضروری است تا رابطه بین کیفیت حسابرسی، تأمین مالی از طریق بدهی و مدیریت سود مورد بررسی قرار گیرد که در تحقیق حاضر بدین موضوع پرداخته شده است و سؤال اصلی تحقیق حاضر این می‌باشد که رابطه بین کیفیت حسابرسی، تأمین مالی از طریق بدهی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به چه صورت می‌باشد؟

## بیان مسئله

هدف حسابرسان حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات با اهمیت موجود در صورت‌های مالی است. حسابرسان به‌منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند در این میان انگیزه‌های مدیران در جهت اعمال منافع شخصی خود در کیفیت سود، مانع از رسیدن حسابرسان به اهداف خود می‌شوند. در مقابل حسابرسان می‌توانند با افزایش کیفیت حسابرسی مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران را کشف کرده و مدیران را در اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند (پاک مرام، ۱۳۹۶). با توجه به اینکه سود متشکل از ارقام نقدی و تعهدی است و ارقام تعهدی سود تا حد زیادی در کنترل مدیران هستند و آن‌ها می‌توانند برای بهتر جلوه دادن عملکرد شرکت و افزایش قابلیت پیش‌بینی سودهای آینده از طریق ارقام تعهدی سود را مدیریت کنند. با توجه به اینکه ارقام تعهدی حسابداری اطلاع‌رسان کیفیت گزارشگری مالی هست با این وجود ارقام تعهدی ممکن است همچنین به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده غیرقابل اتکا کیفیت گزارشگری مالی عمل کند. مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را برای تغییر گزارشگری مالی دستکاری نمایند. این هدف یا به‌قصد گمراه نمودن برخی از صاحبان سود در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت یا تأثیر بر نتایج قراردادهایی صورت می‌گیرد که انعقاد آن‌ها منوط به دستیابی به سود شخصی می‌باشد (حسینی و عظیم زاده، ۱۳۹۶). بر اساس مبانی نظری مدیران از طریق ارقام تعهدی اقدام به مدیریت سود می‌کنند. ارقام تعهدی به تفاوت سود حسابداری بر اساس سیستم تعهدی و مبنای حسابداری نقدی گفته می‌شود. به علت احتمال جانبداری و دستکاری کیفیت حسابرسی نقش مهمی را در کاهش مدیریت سود ایفا می‌کنند نظر به اینکه

<sup>1</sup> Financial report quality

حسابرسان با در نظر گرفتن صورت‌های مالی معتبر یک وظیفه رسمی را انجام می‌دهند. با توجه به اینکه بدهی، انتخاب‌های گزارشگری و انگیزه‌های مدیریتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد رابطه بین بدهی و کیفیت گزارشگری مالی متکی به اقلام تعهدی است (سالم و الزوبی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸).

حتی تعداد کمی از محققان به‌طور تجربی بررسی کرده‌اند که آیا کیفیت حسابرسی و تأمین مالی از طریق بدهی به مدیریت سود مرتبط است و مطالعات دیگری وجود دارد که به نظر می‌رسد یک رابطه اتفاق می‌افتد به‌عنوان مثال، لیهاد و هاونی (۲۰۱۰) مشخص کرده است که کیفیت حسابرسی با مدیریت سود رابطه منفی قابل توجهی دارد، درحالی‌که بنادا و آلونین (۲۰۱۰) و میسر، گلور و پرویت (۲۰۰۸) استدلال کرده‌اند که تابع حسابرسی به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافی که در میان سهامداران و مدیران اتفاق می‌افتد کمک می‌کند. از طرف دیگر پوپ (۲۰۱۳) بیان کرده که توازن میان بدهی و تأمین مالی از طریق سرمایه تقاضا برای اطلاعات حسابداری را ایجاد می‌کند و ممکن است تفاوت در الگوهای افشا را توضیح دهد (الزوبی، ۲۰۱۶). علاوه بر این برین (۱۹۹۸) فرض کرده است که گزارشگری مالی برای ارائه نیازهای فراهم‌کنندگان سرمایه خارجی وجود دارد، بنابراین، تفاوت‌هایی مطابق با تفاوت‌های ترتیبات ارائه سرمایه انتظار می‌رود. همان‌طور که از طریق تئوری نمایندگی فرض شده، مکانیزم‌های نظارتی منافع مدیران و سهامداران را همسو فرض نموده‌اند و تضاد منافع را مانند رفتار فرصت‌طلبانه‌ی اطمینان یافته کاهش می‌دهد. در این بخش جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶) وظیفه حسابرسی را به‌عنوان یک مکانیزم حیاتی در شرکت‌هایی که وقت بیشتری را جهت شناسایی منافع مدیران با دارندگان سرمایه خارجی توصیف کرده، ارائه کرده است. در نتیجه کیفیت حسابرسی به‌عنوان یک مکانیزم نظارتی فرض شده است که به مهارت مدیران از دستکاری سود کمک می‌کند. در مقابل تئوری فرض می‌کند که دارندگان بدهی خصوصی محدودیت‌های دقیق مبنی بر حسابداری را برای محدود کردن دستکاری نتایج پیش‌بینی می‌کنند. از طریق این امر، محدودیت‌هایی برای مدیران برای افزایش بدهی در نظر گرفته شده است، در نتیجه برای بدهی بالاتر؛ بین مزایای ناشی از گزارشگری بالاتر و همین‌طور اجتناب از تخطی قرارداد یک رابطه مبادله وجود دارد (سالم و الزوبی، ۲۰۱۸). با توجه به این منافع و معایب، بررسی کیفیت حسابرسی و تأمین مالی از طریق بدهی با مدیریت سود واجب است که احتمال دارد کیفیت گزارش مالی را تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین ضروری است تا رابطه بین کیفیت حسابرسی، تأمین مالی از طریق بدهی و مدیریت سود مورد بررسی قرار گیرد.

### اهمیت موضوع

در مورد رابطه بین کیفیت حسابرسی، تأمین مالی از طریق بدهی و مدیریت سود، تناقضاتی در ادبیات مربوطه وجود دارد که بررسی این موضوع را برای کشور ایران و به‌طور خاص شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران ضروری می‌سازد. به‌عنوان مثال، اگرچه تنها چند محقق به‌صورت تجربی به بررسی مرتبط بودن کیفیت حسابرسی و تأمین مالی بدهی به مدیریت درآمدها اقدام کرده‌اند، اما مطالعات دیگری نیز وجود دارند که فرض می‌کنند این نوع همکاری رخ می‌دهد. برای مثال لین و هوانگ (۲۰۱۰) اذعان کردند که کیفیت حسابرسی، رابطه منفی چشمگیری با مدیریت درآمدها دارد، درحالی‌که آرنز، بیزلی و آلونین (۲۰۱۰) و مسیر،

<sup>2</sup> Alzoubi

گلوور و پراویت (۲۰۰۸) مخالف این بودند که عملکرد حسابرسی به کاهش عدم تقارن اطلاعات و تضاد منافع که میان مدیران و سهامداران رخ می‌دهد، کمک می‌کند. از طرفی دیگر، پوپ (۲۰۰۳) اذعان داشت که "تعادل بین وام و ایجاد سرمایه با فروش سهام باعث ایجاد تقاضاهایی برای اطلاعات حسابداری شده و می‌تواند تفاوت‌های موجود در الگوهای افشاسازی را شرح دهد". به همین ترتیب، اوپرایان (۱۹۹۸) این‌گونه شرح داد که "اگر گزارش مالی برای خدمت به نیازهای سرمایه‌گذاران بیرونی وجود داشته باشد، آنگاه ما باید منتظر ایجاد تفاوت در برنامه‌ریزی‌های ارائه‌ی سرمایه باشیم". همچنین، مدیریت سود اثرات فراوانی بر سهامداران شرکت دارد، به‌ویژه هنگامی که سود به‌عنوان یک ابزار مناسب برای کیفیت گزارشگری مالی مطرح می‌شود، زیرا ارقام تعهدی حسابداری بر اساس کیفیت گزارشگری مالی هستند. باین وجود، ارقام تعهدی ممکن است به‌عنوان عامل غیرواقعی برای پیش‌بینی کیفیت گزارشگری مالی به دلیل اختلاف نظر و دستکاری سود عمل نماید. در این رابطه، کیفیت حسابرسی نقش مهمی در کاهش مدیریت سود دارد زیرا حساب‌برسان کار تأیید اعتبار صورت‌های مالی را انجام می‌دهند. علاوه بر این، از آنجایی که بدهی در انگیزه‌های مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی نقش دارد، ارتباط بین بدهی و کیفیت گزارشگری مالی، بر میزان ارقام تعهدی شرکت متکی است؛ بنابراین بررسی این موضوع حائز اهمیت و مورد نیاز بوده و نتایج حاصل از آن می‌تواند مورد استفاده مدیران شرکت‌ها، حساب‌برسان و سرمایه‌گذاران قرار گیرد.

### پیشینه تحقیق

#### پیشینه داخلی

گرامی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه "تأمین مالی از طریق بدهی و مدیریت سود" پرداخته‌اند. آن‌ها بیان داشته‌اند که مدیریت سود منافع قابل ملاحظه‌ی ذی‌نفعان شرکت است به‌ویژه هنگامی که سود توسط پیش‌بینی‌کننده‌های مناسب از کیفیت گزارشگری مالی فراوان در نظر گرفته شده است با توجه به اینکه ارقام تعهدی حسابداری اطلاع‌رسان کیفیت گزارشگری مالی هست. باین وجود ارقام تعهدی ممکن است همچنین به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های غیرقابل اتکا کیفیت گزارشگری مالی عمل کنند به علت جانبداری و دستکاری کیفیت حسابرسی نقش مهمی را در کاهش مدیریت سود ایفا می‌کند نظر به اینکه حساب‌برسان با در نظر گرفتن صورت‌های مالی معتبر یک وظیفه رسمی را انجام می‌دهد. علاوه بر این با توجه به اینکه بدهی انتخاب‌های گزارشگری و انگیزه‌های مدیریتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، رابطه بین بدهی و کیفیت گزارشگری مالی متکی به ارقام تعهدی است. نتایج نشان داده است که کیفیت حسابرسی (دوره تصدی حساب‌برس، اندازه، تخصص و استقلال) و تأمین مالی از طریق بدهی (بدهی پایین) مدیریت سود بالقوه را کاهش داده و در عوض کیفیت حسابرسی را افزایش داده است.

پاک مرام (۱۳۹۶) در پژوهشی به "تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام" پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود در همان سال مدیریت سود را تجربه می‌کنند همچنین شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود و توسط مؤسسات بزرگ حسابرسی می‌شود در همان سال یک سطح پایین سود از طریق ارقام تعهدی را تجربه می‌کنند و

در نهایت شرکت‌هایی که سهام آن‌ها برای بار اول عرضه می‌شود و در همان سال سطح بالایی از مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی را تجربه نموده‌اند.

حسینی و عظیم زاده (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی "رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود ناشی از ارقام تعهدی: شواهدی از ضعف سودآوری و ضعف نقدینگی را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های درگیر بحران مالی مدیریت سود کمتری داشته‌اند که توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ حسابرسی شده‌اند. طبق شواهد پژوهش، اندازه، نسبت سودآوری عملیاتی و نسبت بدهی اثر معنی‌دار و مثبتی بر مدیریت سود تعهدی دارند؛ اما نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و نسبت جریان نقد عملیاتی اثر معنی‌دار و منفی بر مدیریت سود تعهدی دارند.

### پیشینه خارجی

سالم و الزوبی<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به بررسی "کیفیت حسابرسی، تأمین مالی بدهی و مدیریت درآمد: شواهد از اردن" پرداخته‌اند. این مقاله شواهد اولیه‌ی مربوط به رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی، تأمین مالی بدهی و مدیریت درآمدها در اردن را ارائه داده است. این مطالعه از نسخه‌ی سطح مقطعی مدل اصلاح‌شده‌ی جونز استفاده کرده است که در آن ارقام تعهدی اختیاری به‌عنوان یک نماینده برای مدیریت درآمدها به کار گرفته شده‌اند. رگرسیون حداقل مربعات معمولی برای بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و تأمین مالی بدهی در مدیریت درآمدها با استفاده از یک نمونه شامل ۷۲ شرکت صنعتی طی دوره‌ی انتخابی مابین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ به کار گرفته شد. نتایج حاکی از این بودند که کیفیت حسابرسی و تأمین مالی بدهی توانایی بالقوه‌ی مدیریت درآمدها را کاهش می‌دهد و در عوض باعث بهسازی کیفیت گزارش مالی می‌شود. بدهی بالا قطعاً باعث پدید آمدن خطر مدیریت درآمدها خواهد شد. این تحقیق مفاهیم احتمالی مربوط به سیاست‌گذاران در اردن و دیگر کشورها را برای رسیدن به فرمول جامع‌تر و قابل اطمینان‌تر سیستم حسابرسی ارائه می‌دهد.

مپنگ<sup>۴</sup> (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان "ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کیفیت سود با تمرکز بر شاخص مدیریت سود"، به بررسی این موضوع پرداخته است. وی دریافت بهره‌گیری از خدمات مؤسسات حسابرسی بزرگ به‌طور قابل ملاحظه‌ای منجر به کاهش مدیریت سود می‌گردد. همچنین جایگزینی مؤسسات حسابرسی کوچک‌تر نسبت به دوره‌های قبل از نشانه‌ای از کیفیت سود پایین است.

آن، ژو و لی (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی "نقش مدیریت سود در تأمین مالی از طریق بدهی در شرکت" پرداخته‌اند. بنا بر نتایج این پژوهش مدیران شرکت‌ها با استفاده از دستکاری سود و در واقع مدیریت کردن سود و قرار دادن آن در سطح موردنظر، سعی در انتقال اطلاعاتی گزینش‌شده به سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان دارند تا با استفاده از آن به هدف خود در تأمین مالی دست یابند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌ها با مدیریت سود بیشتر اهرم مالی بالاتری دارند.

<sup>3</sup> Ebraheem Saleem Salem Alzoubi

<sup>4</sup> Mappeng

## روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تأکید بر روابط همبستگی است، زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می‌کند و از طرف دیگر، رابطه بین متغیرهای مختلف را با استفاده از تحلیل رگرسیون، تعیین می‌نماید. علاوه بر این، در حوزه مطالعات پس رویدادی (استفاده از اطلاعات گذشته) قرار می‌گیرد و مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر اطلاعات واقعی است که با روش استقرایی به کل جامعه آماری قابل تعمیم خواهد بود.

## جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل بانک‌های های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی بین سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۶ می‌باشد.

در تحقیق حاضر برای تعیین نمونه آماری ابتدا شرکت‌ها از روش حذف سیستماتیک همگن می‌شوند و پس از همگن کردن جامعه آماری به روش حذف سیستماتیک از جامعه همگن‌شده به‌عنوان نمونه تحقیق استفاده می‌شود. معیارهای مورد استفاده در روش حذف سیستماتیک در راستای همگن کردن جامعه آماری به شرح زیر می‌باشند. بدین منظور آن دسته از شرکت‌های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا باشند، به‌عنوان نمونه آماری انتخاب و مابقی حذف می‌شوند.

نمونه نهایی تحقیق، شامل شرکت‌هایی می‌باشد که تمامی شرایط زیر را دارا باشند:

شرکت قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده باشد.

پایان سال مالی شرکت‌ها ۲۹ اسفند هر سال باشد.

شرکت‌های مورد استفاده در طی دوره مورد بررسی از لیست بورس اوراق بهادار خارج نشده باشند.

جزء شرکت‌های مالی و سرمایه‌گذاری نباشد.

اطلاعات مالی مورد نیاز شرکت‌ها قابل دسترس باشد.

تعداد شرکت‌ها در بورس تا پایان سال ۱۳۹۶	562 شرکت
تعداد شرکت‌های که در سالهای ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶ در بورس حضور نداشته‌اند.	(128) شرکت
تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند نمی‌باشد.	(158) شرکت
تعداد شرکت‌هایی که در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی داده‌اند.	(14) شرکت
تعداد شرکت‌هایی که سهام آن‌ها حداقل یک‌بار در سال معامله نشده باشد.	(67) شرکت
شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌ها و بیمه‌ها	(56) شرکت
جمع	(423) شرکت
تعداد شرکت‌هایی که داده‌های آن‌ها جمع‌آوری شده است (نمونه نهایی)	139 شرکت

در تحقیق حاضر با توجه به سؤال اصلی تحقیق که رابطه بین کیفیت حسابداری، تأمین مالی از طریق بدهی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به چه صورت می‌باشد

### فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: دوره تصدی حسابرسی ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد

فرضیه دوم: اندازه حسابرسی ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد

فرضیه سوم: تخصص حسابرسی ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد

فرضیه چهارم: استقلال حسابرسی ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد

فرضیه پنجم: تأمین مالی از طریق بدهی ارتباط مثبت با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

### مدل آماری پژوهش

به منظور بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی، تأمین مالی از طریق بدهی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، به تبعیت از سالم و الزوی<sup>۵</sup> (۲۰۱۸)، از الگوی رگرسیونی زیر بهره‌گیری شده است:

$$DAC = \alpha + \beta_1 AUDTENU + \beta_2 AUDSIZE + \beta_3 AUDSPCIAL + \beta_4 AUDINDAF + \beta_5 AUDINDNAF + \beta_6 DEBT + \beta_7 DEBT^2 + \beta_8 BRDINDP + \beta_9 BRDFINEXP + \beta_{10} ACINDP + \beta_{11} ACFINEXP + \beta_{12} INSDOWN + \beta_{13} INSTOWN + \beta_{14} FOROWN + \beta_{15} FRMSIZE + \beta_{16} FRMGRWTH + \beta_{17} FRMAGE + \beta_{18} ROA + \beta_{19} CFO + \varepsilon \quad (1)$$

جدول ۱: تعاریف متغیرها

نماد	متغیر	نوع	تعریف
DAC	مدیریت سود	وابسته	ارزش مطلق معیار اقلام تعهدی اختیاری که با استفاده از مدل تعدیل‌شده جونز محاسبه می‌شود
AUDTENU	دوره تصدی حسابرسی	مستقل	متغیر مجازی که اگر شرکت حسابرسی، دارای دوره حسابرسی ۵ ساله باشد ارزشی برابر با یک و در غیر این صورت صفر است
AUDSIZE	اندازه حسابرسی	مستقل	متغیر مجازی که اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده باشد ارزشی برابر با یک و در غیر این صورت صفر است
AUDSPCIAL	تخصص حسابرسی	مستقل	متغیر مجازی که اگر شرکت توسط شرکتی حسابرسی شده باشد که بالاترین سهام را در بازار دارا می‌باشد، ارزشی برابر با یک و در غیر این صورت

<sup>5</sup> Ebraheem Saleem Salem Alzoubi

صفر است			
نسبت حق الزحمه حسابرسی به کل حق الزحمه‌های پرداختی	مستقل	استقلال حسابرس	AUDINDAF
متغیر مجازی که اگر شرکت حسابرسی، خدمات مازاد ارائه نماید ارزشی برابر با یک و در غیر این صورت صفر است	مستقل	کیفیت حسابرسی	AUDINDNAF
نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت	کنترلی	بدهی	DEBT
سهم مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره	کنترلی	استقلال هیئت‌مدیره	BRDIND
متغیر مجازی که اگر یک نفر دارای تخصص حسابداری یا مالی در هیئت‌مدیره باشد، ارزشی برابر با یک و در غیر این صورت صفر است	کنترلی	تخصص هیئت‌مدیره	BRDFINEXP
نسبت مدیران مستقل به کل مدیران در کمیته حسابرسی	کنترلی	استقلال کمیته حسابرسی	ACIND
متغیر مجازی که اگر یک نفر دارای تخصص حسابداری یا مالی در کمیته حسابرسی باشد، ارزشی برابر با یک و در غیر این صورت صفر است	کنترلی	تخصص کمیته حسابرسی	ACFINEXP
سهم کل سهام نگه‌داری شده توسط مدیران به کل سهام شرکت	کنترلی	سهامداری مدیریت	INSDOWN
سهم سهام نگه‌داری شده توسط سهامداران نهادی	کنترلی	سهامداری نهادی	INSTOWN
سهم سهام نگه‌داری شده توسط سهامداران خارجی	کنترلی	سهامداری خارجی	FOROWN
لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت	کنترلی	اندازه شرکت	FRMSIZE
نسبت ارزش بازاری به ارزش دفتری	کنترلی	فرصت‌های رشد	FRMGRWTH
لگاریتم تعداد سال‌های فعالیت شرکت	کنترلی	سن شرکت	FRMAGE
خالص درآمد تقسیم بر کل دارایی‌ها	کنترلی	سودآوری شرکت	ROA
نسبت جریان‌ات نقدی عملیاتی به کل دارایی‌ها	کنترلی	نقد شونده‌گی شرکت	CFO



### جدول ۳: آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی شرکت‌ها

استقلال کمیته حسابرسی تخصص حسابرسی	سهامداری مدیریت	سهامداری نهادی	سهامداری خارجی
اندازه شرکت	فرصت‌های رشد	سن شرکت سودآوری شرکت	نقد شوندگی شرکت
ACIND	ACFINEXP	INSDOWN	INSTOWN
FOROWN	FRMSIZE	FRMGRWTH	FRMAGE
ROA	CFO		
میانگین			
۰.۹۹۶۴	۰.۴۵۷۶	۰.۲۳۰۴۵	۰.۱۲۳۷
۵۷.۲۷۴	۲.۳۰۴۵	۰.۹۹۶۴	۰.۴۵۷۶
میانه			
۱.۰۰۰۰	۰.۶۶۶۶	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰
۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰
ماکسیمم			
۲.۰۰۰۰	۲.۰۰۰۰	۱۶.۷۰۰	۱۹.۳۷۰
۹۸.۹۳۰	۸۰.۴۰۰	۱.۰۰۰۰	۱.۰۰۰۰
مینیمم			
۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰
۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰
انحراف معیار			
۰.۰۵۹۹	۰.۴۰۰۸	۱۰.۲۳۹	۳۲.۷۷۳
۱.۰۲۳۹	۰.۰۵۹۹	۰.۴۰۰۸	۱۰.۲۳۹
چولگی			
۰.۱۳۸۶	۰.۱۳۸۶	۰.۱۳۸۶	۰.۱۳۸۶
۰.۱۳۸۶	۰.۱۳۸۶	۰.۱۳۸۶	۰.۱۳۸۶
کشیدگی			
۲.۰۷۴۹	۲.۰۷۴۹	۲.۰۷۴۹	۲.۰۷۴۹
۲.۰۷۴۹	۲.۰۷۴۹	۲.۰۷۴۹	۲.۰۷۴۹
مشاهدات			
۸۳۴	۸۳۴	۸۳۴	۸۳۴

منبع: یافته‌های محقق

دیتاها از طریق نسبت هم مقیاس شده‌اند جدول (۲) دربردارنده اصلی‌ترین شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است. میانگین که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع بوده و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست، برای متغیر مدیریت سود برابر ۰/۰۳۹- است. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی می‌باشد که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد؛ و نشان می‌دهد که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند همچنین یکسان بودن مقدار میانگین و میانه نشان‌دهنده نرمال بودن این متغیر می‌باشد که برای متغیر مدیریت سود برابر ۰/۰۴۱- است. شاخص‌های پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. انحراف معیار یکی از مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی است که برای متغیر مدیریت سود برابر ۰/۰۹۷ می‌باشد. میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می‌نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه این ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر ضریب منفی باشد چولگی به چپ دارد. مقدار ضریب چولگی برای متغیر مدیریت سود منفی و نزدیک صفر می‌باشد که نشان می‌دهد توزیع نرمال و خیلی کم چوله به چپ می‌باشد. شاخص پراکندگی میزان کشیدگی یا پخی منحنی فراوانی نسبت به منحنی نرمال استاندارد را برجستگی یا کشیدگی می‌نامند. اگر کشیدگی حدود صفر باشد، یعنی منحنی فراوانی از لحاظ کشیدگی وضع متعادل و نرمالی دارد، اگر این مقدار مثبت باشد منحنی برجسته و اگر منفی باشد منحنی پهن می‌باشد. در این پژوهش برای تمام متغیرها کشیدگی مثبت می‌باشد.

جهت اظهار نظر درباره فرضیه ۱ مدل زیر تعریف می‌گردد:

رابطه (۲)

$$growth\_corr_{it} =$$

$$a_0 + a_1 Rank\ of\ AQ_{it} + a_2 SHrI_t + a_3 Hfd5_{it} + a_5 Size_{it} + a_6 MTB_{IT} + a_7 ROA_{it} + a_8 \sigma(Sales)_{it} + a_9 Leverage_{it} + a_{10} OperationgCycle_{it} + \varepsilon$$

## جدول ۴: خلاصه نتایج الگوی پژوهش با استفاده از روش پانل دیتا طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶

نتیجه	سطح معناداری	آماره-t	خطای استاندارد	ضرایب	متغیرها	
بی- معنی	0.0927	- 1.683848	0.137480	- 0.231496	$\alpha_0$	عرض از مبدأ
منفی	0.0254	- 2.239841	0.009845	- 0.022051	AUDTENU	دوره تصدی حسابرس
منفی	0.0350	- 2.112953	0.016440	- 0.034737	AUDSIZE	اندازه حسابرس
منفی	0.0000	- 7.136045	0.005385	- 0.038426	AUDSPCIAL	تخصص حسابرسی
بی- معنی	0.7504	- 0.318294	0.020016	- 0.006371	AUDINDAF	استقلال حسابرس
بی- معنی	0.2771	- 1.087816	0.003449	- 0.003752	AUDINDNAF	استقلال حسابرسی بر اساس خدمات مازاد
مثبت	0.0000	9.268363	0.033913	0.314320	DEBT	تأمین مالی از طریق بدهی
مثبت	0.0000	6.465684	0.009368	0.060571	DEBT2	توان دوم تأمین مالی از طریق بدهی
بی- معنی	0.8920	0.135862	0.015037	0.002043	BRDIND	استقلال هیئت مدیره
مثبت	0.0000	4.584281	0.014106	0.064665	BRDFINEXP	تخصص هیئت مدیره
بی- معنی	0.0512	1.952897	0.009215	0.017996	ACIND	استقلال کمیته حسابرسی
مثبت	0.0000	13.73150	0.015066	0.206874	ACFINEXP	تخصص کمیته حسابرسی
مثبت	0.0305	2.168729	0.002314	0.005019	INSDOWN	سهامداری مدیریت
مثبت	0.0143	2.456863	6.65E-05	0.000163	INSTOWN	سهامداری نهادی
بی- معنی	0.3214	- 0.992380	0.036065	- 0.035790	FOROWN	سهامداری خارجی
منفی	0.0001	- 4.069168	0.007113	- 0.028946	FRMSIZE	اندازه شرکت
بی- معنی	0.2752	- 1.092143	4.14E-05	-4.52E-05	FRMGRWTH	فرصت‌های رشد
مثبت	0.0001	4.034846	0.091186	0.367923	FRMAGE	سن شرکت
منفی	0.0000	- 5.026383	0.074947	- 0.376712	ROA	سودآوری شرکت
مثبت	0.0000	8.063747	0.067760	0.546398	CFO	نقد شونددگی شرکت
	7.629306		آماره-TF-		0.639236	ضریب تعیین
	0.000000		سطح معناداری		0.555449	ضریب تعیین تعدیل شده
			2.212692		دوربین واتسون	

منبع: یافته‌های محقق

نتایج حاصل از تخمین نشان می‌دهد که احتمال آماره  $t$  برای ضرایب متغیرهای دوره تصدی حسابرِس، اندازه حسابرِس، تخصص حسابرِس، تأمین مالی از طریق بدهی، توان دوم تأمین مالی از طریق بدهی، تخصص هیئت‌مدیره، تخصص کمیته حسابرِس، سهامداری مدیریت، سهامداری نهادی، اندازه شرکت، سن شرکت، سودآوری شرکت و نقد شوندگی شرکت بر **مدیریت سود** کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد؛ و ضریب برآورد شده توسط نرم‌افزار برای متغیرهای دوره تصدی حسابرِس، اندازه حسابرِس، تخصص حسابرِس بر **مدیریت سود** منفی و معنادار و متغیرهای تأمین مالی از طریق بدهی، توان دوم تأمین مالی از طریق بدهی بر **مدیریت سود** مثبت و معنادار می‌باشد؛ و احتمال آماره  $t$  برای متغیرهای استقلال حسابرِس، استقلال حسابرِس بر اساس خدمات مزاد، استقلال هیئت‌مدیره، استقلال کمیته حسابرِس، سهامداری خارجی و فرصت‌های رشد بر **مدیریت سود** بیشتر از ۵٪ است. از این رو ضریب برآوردی متغیر فوق از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده قدرت توضیح دهندگی متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد که قادر است به میزان ۵۶٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. احتمال آماره  $F$  بیانگر این است که کل مدل از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. برای بررسی استقلال پسماندهای مدل‌های برازش شده از آماره آزمون دوربین - واتسون استفاده شد. اگر مقدار این آماره در محدود ۱/۵ تا ۲/۵ باشد. استقلال پسماندهای مدل مورد تأیید قرار می‌گیرد، در غیر این صورت شواهد حاکی از فقدان استقلال یا وجود همبستگی سریالی پسماندهای مدل است؛ که در اینجا مقدار دوربین واتسون ۲/۲۱ که مقدار این آماره در محدود ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد بنابراین استقلال پسماندهای مدل مورد تأیید قرار می‌گیرد. با توجه به فرضیه چون متغیرهای دوره تصدی حسابرِس، اندازه حسابرِس، تخصص حسابرِس بر **مدیریت سود** منفی و معنادار و متغیرهای تأمین مالی از طریق بدهی، توان دوم تأمین مالی از طریق بدهی بر **مدیریت سود** مثبت و معنادار می‌باشد؛ بنابراین فرض  $H_0$  برای فرضیه‌های ۱، ۳، ۲ و ۵ رد می‌شود؛ و برای فرضیه ۴ فرض  $H_0$  تأیید می‌شود یعنی **تأمین مالی از طریق بدهی ارتباط مثبت با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.**

فرضیه اول: دوره تصدی حسابرِس ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

$H_0$ : دوره تصدی حسابرِس ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد.

$H_1$ : دوره تصدی حسابرِس ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

**با توجه به نتایج جدول (۴) احتمال آماره  $t$  برای ضریب متغیر دوره تصدی حسابرِس بر مدیریت سود کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد؛ و ضریب برآورد شده توسط نرم‌افزار برای متغیر دوره تصدی حسابرِس بر مدیریت سود منفی و معنادار می‌باشد؛ بنابراین فرض  $H_0$  رد می‌شود؛ یعنی دوره تصدی حسابرِس ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.**

فرضیه دوم: اندازه حسابرس ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

$H_0$ : اندازه حسابرس ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد.

$H_1$ : اندازه حسابرس ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

**با توجه به نتایج جدول (۴) احتمال آماره  $t$  برای ضریب متغیر اندازه حسابرس بر مدیریت سود کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد؛ و ضریب برآورد شده توسط نرم‌افزار برای متغیر اندازه حسابرس بر مدیریت سود منفی و معنادار می‌باشد؛ بنابراین فرض  $H_0$  رد می‌شود؛ یعنی اندازه حسابرس ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.**

فرضیه سوم: تخصص حسابرسی ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

$H_0$ : تخصص حسابرسی ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد.

$H_1$ : تخصص حسابرسی ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

**با توجه به نتایج جدول (۴) احتمال آماره  $t$  برای ضرایب متغیر تخصص حسابرسی بر مدیریت سود کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد؛ و ضریب برآورد شده توسط نرم‌افزار برای متغیر تخصص حسابرسی بر مدیریت سود منفی و معنادار می‌باشد؛ بنابراین فرض  $H_0$  رد می‌شود؛ یعنی تخصص حسابرسی ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.**

فرضیه چهارم: استقلال حسابرس ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

$H_0$ : استقلال حسابرس ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد.

$H_1$ : استقلال حسابرس ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد **با توجه به نتایج جدول (۴) احتمال آماره  $t$  برای متغیرهای استقلال حسابرس، استقلال حسابرسی بر اساس خدمات مزاد بر مدیریت سود بیشتر از ۵٪ است. از این رو ضریب برآوردی متغیر فوق از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد. فرض  $H_0$  تأیید می‌شود یعنی استقلال حسابرس ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد.**

فرضیه پنجم: تأمین مالی از طریق بدهی ارتباط مثبت با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

$H_0$ : تأمین مالی از طریق بدهی ارتباط مثبت با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد.

$H_1$ : تأمین مالی از طریق بدهی ارتباط مثبت با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

**با توجه به نتایج جدول (۴) احتمال آماره  $t$  برای ضریب متغیرهای تأمین مالی از طریق بدهی، توان دوم تأمین مالی از طریق بدهی، تخصص هیئت‌مدیره بر مدیریت سود کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد؛ و ضریب برآورد شده توسط نرم‌افزار برای متغیرهای تأمین مالی از طریق بدهی، توان دوم تأمین مالی از طریق بدهی بر مدیریت سود مثبت و معنادار می‌باشد؛ بنابراین فرض  $H_0$  رد می‌شود؛ یعنی تأمین مالی از طریق بدهی ارتباط مثبت با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.**

### نتیجه‌گیری

**فرضیه اول:** دوره تصدی حسابرسان ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. احتمال آماره  $t$  برای ضریب متغیر دوره تصدی حسابرسان بر مدیریت سود کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. ضریب برآورد شده برای متغیر دوره تصدی حسابرسان بر مدیریت سود منفی و معنادار می‌باشد؛ بنابراین دوره تصدی حسابرسان ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. می‌توان این‌گونه بیان کرد که قانون تغییر حسابرسانی پس از چهار سال می‌تواند از مدیریت سود جلوگیری نماید. این یافته با این ادعا سازگار است که حسابرسانی که روابط طولانی‌تری با صاحب‌کاران دارند به احتمال زیاد، آزادی عمل بیشتری برای صاحب‌کاران آن‌ها در استفاده از ارقام تعهدی اختیاری به منظور مدیریت سود، وجود دارد. این نتایج با ادعای کمیته‌های نظارتی بورس اوراق بهادار سازگار است که بیان می‌کنند استقلال حسابرسان در روابط بلندمدت با صاحب‌کار کاهش می‌یابد؛ به عبارت دیگر، صاحب‌کاران از انعطاف‌پذیری به وجود آمده به منظور گزارش سود محافظه‌کارانه‌تر استفاده می‌کنند. امروزه برای چرخش اجباری حسابرسان، دیدگاه‌های موافق و مخالف زیادی وجود دارد. در برخی از کشورها دیدگاه‌های موافق و در برخی دیدگاه‌های مخالف، حسب شرایط آنان غلبه یافته است. از این رو یافته‌های پژوهش ما نیز، بیشتر حامی دیدگاه‌های موافق چرخش اجباری است؛ بنابراین بایستی در زمینه لزوم چرخش اجباری حسابرسان، استدلال درست نمود.

**فرضیه دوم:** اندازه حسابرسان ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. احتمال آماره  $t$  برای ضریب متغیر اندازه حسابرسان بر مدیریت سود کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد؛ و ضریب برآورد شده برای متغیر اندازه حسابرسان بر مدیریت سود منفی و معنادار می‌باشد؛ یعنی اندازه حسابرسان ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. به طور معمول انتظار می‌رود هر چه اندازه موسسه حسابرسانی بزرگ‌تر باشد، کیفیت حسابرسانی نیز افزایش پیدا کند که این امر سبب کنترل بر مدیران جهت عدم ایجاد دستکاری در سود می‌باشد. از آنجایی که

بزرگ بودن اندازه حسابرس سبب حسن شهرتش نیز می‌باشد، حسابرسان را ملزم به رعایت اصول و قواعد مربوطه در زمینه انجام کار می‌نماید. البته این اصل در زمینه شرکت‌های کوچک نیز می‌تواند صادق باشد، زیرا در جهت گسترش کار خود سعی در بهبود عملکرد می‌نمایند.

**فرضیه سوم:** تخصص حسابرسی ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. احتمال آماره ۱ برای ضرایب متغیر تخصص حسابرسی بر مدیریت سود کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد؛ و ضریب برآورد شده برای متغیر تخصص حسابرسی بر مدیریت سود منفی و معنادار می‌باشد؛ یعنی تخصص حسابرسی ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. تخصص حسابرس در صنعت موجب ارتقای کیفیت حسابرسی می‌گردد به طوری که حسابرسانی که دارای دانش و امکانات لازم در یک صنعت خاص (به عبارت دیگر متخصص) می‌باشند، می‌توانند مدیریت را از دستیابی به مدیریت سود بازدارند.

**فرضیه چهارم:** استقلال حسابرس ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. احتمال آماره ۱ برای متغیرهای استقلال حسابرس، استقلال حسابرسی بر اساس خدمات مازاد بر مدیریت سود بیشتر از ۵٪ است. از این رو ضریب برآوردی متغیر فوق از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد. می‌شود یعنی استقلال حسابرس ارتباط منفی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد. استقلال حسابرس نمی‌تواند کنترلی بر کیفیت عملکرد مدیران در جهت عدم دستکاری در سود داشته باشد. مدیران می‌توانند از راه‌های مختلف به مدیریت سود پرداخته و اطلاعات لازم را در اختیار حسابرس قرار دهند. چنانچه حسابرس تخصصی در زمینه کار خود نداشته باشد، داشتن استقلال هیچ کمکی در جهت انجام صحیح کار نخواهد داشت.

**فرضیه پنجم:** تأمین مالی از طریق بدهی ارتباط مثبت با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. احتمال آماره ۱ برای ضرایب متغیرهای تأمین مالی از طریق بدهی، توان دوم تأمین مالی از طریق بدهی، تخصص هیئت‌مدیره بر مدیریت سود کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد؛ و ضریب برآورد شده برای متغیرهای تأمین مالی از طریق بدهی، توان دوم تأمین مالی از طریق بدهی بر مدیریت سود مثبت و معنادار می‌باشد؛ بنابراین تأمین مالی از طریق بدهی ارتباط مثبت با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. رابطه بین تأمین مالی از طریق بدهی و کیفیت سود به گونه‌ای است که ابتدا با افزایش سطح بدهی، کنترل بر مدیریت سود بهتر و دست‌کاری در آن کمتر می‌شود، اما این رابطه پایدار نیست و با افزایش بیشتر سطح بدهی، کنترل نیز کاهش و دست‌کاری در سود انجام می‌شود.

### پیشنهادها بر اساس نتایج

با توجه به نتیجه فرضیه اول پیشنهاد می‌شود: به منظور رد یا حمایت قطعی ادعای چرخش اجباری حسابرس و کوتاه کردن دوره تصدی حسابرس، تحقیقات بیشتری در مورد رابطه میان دوره تصدی و موارد مربوط به مدیریت سود انجام شود.

با توجه به نتیجه فرضیه دوم پیشنهاد می‌شود: استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، هنگام تجزیه و تحلیل شرکت‌های حسابرسی شده می‌توانند به بررسی سایر عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود شرکت‌ها بپردازند.

بر اساس نتیجه فرضیه سوم پیشنهاد می‌شود: استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی هنگام تجزیه و تحلیل شرکت‌های حسابرسی شده، به تخصص حسابرس آن‌ها توجه داشته باشند. حسابرسان متخصص صنعت نیز باید به این واقعیت آگاه باشند که توانایی آن‌ها برای محدود کردن مدیریت اقلام تعهدی به‌طور غیرمستقیم، صاحب‌کاران را مجبور می‌کند تا در بلندمدت تصمیمات عملیاتی بگیرند که از تصمیمات بهینه منحرف شود. پیشنهاد می‌شود حسابرسان متخصص با مدیران ارتباط بیشتری برقرار کنند.

با در نظر گرفتن نتیجه فرضیه چهارم پیشنهاد می‌شود: در نظر گرفتن استقلال حسابرس جز آنچه اذهان سرمایه‌گذاران را منحرف نماید و یا به جوانب معطوف کند، نقش دیگری نمی‌تواند داشته باشد، پس این بخش را به‌عنوان یکی از راه‌های کنترل بر شرکت انتخاب نمایند.

همچنین نتایج حاصل از این پژوهش، می‌تواند به متقاضیان خدمات حسابرسی مستقل، کمک کند تا تقاضای گزارش اثربخش و باکیفیت از حسابرسان منتخب را داشته باشند و به محتوای گزارش حسابرسی توجه ویژه‌ای داشته باشند.

بر اساس نتیجه فرضیه پنجم پیشنهاد می‌شود: به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود در ارزیابی شرکت‌ها و اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری به میزان اهرم مالی و قراردادهای بدهی نیز توجه نمایند.

همچنین به سازمان بورس و سازمان حسابرسی پیشنهاد می‌شود، مقررات و استانداردهایی برای کنترل هر چه بهتر رفتار مدیریت شرکت‌ها در انتخاب روش‌های متعددی حسابداری و مقررات دولتی که می‌تواند منجر به دستکاری سود شود، تدوین نمایند.

### پیشنهاد برای تحقیقات آتی

با توجه به نتایج این تحقیق جهت تحقیقات آتی پیشنهاد می‌گردد از سایر معیارهای کیفیت حسابرسی در پژوهش‌های انجام‌شده قبلی از قبیل بازدید حسابرس مستقل شریک و مدیر ارشد از مراحل کار حسابرسی، اهمیت حق‌الزحمه حسابرسی برای مؤسسه حسابرسی، کارایی حسابرسی، کشف تحریفات بااهمیت، تضاد منافع، وجود قوانین و مقررات و مکانیزم بازار نیز استفاده گردد و قدرت توضیح‌دهندگی آن‌ها با اندازه شرکت حسابرسی و تخصص حسابرس در تأثیرگذاری بر مدیریت سود شرکت‌ها بررسی گردد.

### منابع

۱. ابراهیمی، سید کاظم و بهرامی نسب، علی و احمدی مقدم، منصور (۱۳۹۵) " رابطه بین تصمیمات تأمین مالی با انواع مدیریت سود"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، مقاله ۵، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۸۳-۱۰۲.
۲. احمدپور، احمد و محسن کریمی، (۱۳۸۵). مدیریت سود و نقش آن در بازار سرمایه، مجله دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، شماره ۱۳، صص ۴۲-۲۵.
۳. اسدی، مرتضی و دارابی، مجید. (۱۳۹۱). کیفیت حسابرسی، مجله حسابرس، شماره ۶۲، دی ۱۳۹۱.

۴. ایزدی نیا، ناصر، ربیعی، حامد و حمیدیان، نرگس، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین اهرم مالی و مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پیشرفت‌های حسابداری. دوره ۵ شماره اول، صص ۳۳-۵۴.
۵. ایزدی نیا، ناصر و مصطفی دری سده، (۱۳۸۹)، محتوای اطلاعاتی جزء غیرعملیاتی سود حسابداری در رابطه با پیش‌بینی سود و ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سهام، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره اول، پیاپی (۳)، صص ۱۷-۳۲.
۶. ایزدی نیا، ناصر و دستجردی، محسن (۱۳۸۸). تأثیر ساختار سرمایه بر نرخ بازده سهام و درآمد هر سهم، مجله تحقیقات حسابداری، شماره سوم، صفحه ۱۳۶-۱۶۱.
۷. امیری، هادی و محمدی خورزوقی، هاجر (۱۳۹۱) "تحلیل ارتباط بین تأمین مالی از طریق بدهی و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال ۴، شماره ۱۶، صص ۸۱-۶۱.
۸. بهارمقدم، مهدی؛ یزدی، زینب و یزدی، سمیه (۱۳۹۱). بررسی اثرات مدیریت سرمایه در گردش بر سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله حسابداری مدیریت، سال چهارم، شماره دهم.
۹. پاک مرام، عسگر (۱۳۹۶) "تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام"، دانش حسابرسی، شماره ۶۸.
۱۰. حساس یگانه، ی؛ و رضا قنبریان، ۱۳۸۵، "کیفیت حسابرسی از دیدگاه نظری و تحقیقات تجربی"، فصلنامه حسابداری رسمی، بهار و تابستان، صفحه ۳۹-۴.
۱۱. حسینی، محمد و عظیم زاده، نفیسه (۱۳۹۶) "رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود ناشی از ارقام تعهدی: شواهدی از ضعف سودآوری و ضعف نقدینگی"، دوره ۱، شماره ۱، دانشگاه خاتم، فصلنامه پژوهش‌های نوین در حسابداری و حسابرسی.
۱۲. رویای، رمضانعلی و آذین فر، کاوه (۱۳۹۱). رابطه بین کیفیت حسابرسی و نوع صنعت، حسابداری مدیریت، دوره ۵، شماره ۱۵، ۳۰-۱۹.
۱۳. صلواتی، م، (۱۳۸۶)، "بررسی و مطالعه تأثیر روش‌های مختلف تأمین مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بر بازده سهام"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، دانشکده مدیریت.
۱۴. فخاری، حسین و عدیلی، مجتبی، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین جریان‌های نقدی آزاد و مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۳، صص ۶۳-۷۸.
۱۵. کردستانی، غلامرضا و مریم کشاورزی هدایتی، (۱۳۸۹)، سود حسابداری در مقابل سود اقتصادی، فصلنامه حسابداری رسمی، شماره ۱۲ (پای ۲۴)، صص ۱۱۸.

۱۶. گرامی، آمنه و احمدی، مرضیه و اولاد شنبه، حلیمه و رفعت پناه، زهرا و یزدان پرست، زهره (۱۳۹۷) "تأمین مالی از طریق بدهی و مدیریت سود"، دومین کنفرانس بین‌المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ۳۱ خرداد ۱۳۹۷.

۱۷. مشایخی، بیتا؛ مهرانی، ساسان؛ رحمانی، علی و مداحی، آزاده (۱۳۹۲). تدوین مدل کیفیت حسابرسی، مجله‌ی بورس اوراق بهادار، ۶ (۲۳)، ۱۳۷-۱۰۳

۱۸. موسوی، میر مرتضی و پاکرام، عسگر (۱۳۹۵) " رابطه بین کیفیت حسابرسی با مدیریت سود و مدیریت جریان نقد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (با تأکید بر زمان تجدید ارائه صورت‌های مالی)"، فصلنامه اقتصاد و مالیات، دوره ۳، شماره ۴.

19. Alzoubi, E. S. S. (2016). Audit quality and earnings management: Evidence from Jordan. *Journal of Applied Accounting Research*, 17(2), 170-189.
20. Bowen, R. M, DuCharme L, Shores D. (1995), Stakeholders' implicit claims and accounting method choice. *J. Account. Econ.* 20 (3), pp: 255-295.
21. DeBoskey, D. G. & Jiang, W. (2012). Earnings management and auditor specialization in the post-sox era: An examination of the banking industry. *Journal of Banking & Finance*, 36(2), 613-623.
22. Ebraheem Saleem Salem Alzoubi (2018) " Audit quality, debt financing, and earnings management: Evidence from Jordan", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* 30 (2018) 69-84.
23. Fung, S. Y. & Goodwin, J. (2013). Short-term debt maturity, monitoring and accruals-based earnings management. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 9(1), 67-82.
24. IAASB. (2011). A Framework For Audit Quality Key Elements That Create An Environment For Audit Quality, February.
25. Jensen, M. C. & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency cost and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4): 305- 360
26. Ji, X. D. Ahmed, K. & Lu, W. (2015). The impact of corporate governance and ownership structure reforms on earnings quality in China. *International Journal of Accounting & Information Management*, 23(2), 169-198.
27. McVay, S.E. (2006) Earnings Management Using Classification Shifting: An Examination of Core Earnings and Special Items. *The Accounting Review*, May, Vol. 81, No. 3, 501-531.
28. Modigliani, Franco and metron Miller ;(1975); "The cost of capital, covporation finance and Theory of Investment" *The American Review*, yune 1958.
29. Pope, P. F. (2013). Discussion of disclosure practices, enforcement of accounting standards, and analysts' forecast accuracy: An international study. *Journal of Accounting Research*, 41(2), 273-283.

## The relationship between audit quality, debt financing and earnings management in companies listed to the Tehran Stock Exchange

Majid Moradi <sup>\*1</sup>

Farzin Khoshkar <sup>2</sup>

Mohammad Shabani <sup>3</sup>

Date of Receipt: 2020/02/27 Date of Issue: 2020/02/28

### Abstract

Since that the profit management has a special importance among investors, when the financing is perform via bond issue, having a high-quality audit will add to this importance. Thus, in present research we decided to investigate the relation between audit, financing via bond issue and the profit management. To this purpose, among companies that established in Security and Stock exchange in time period of 2014-2018, we selected 139 companies as research sample. The obtained results by data panel in Eviews software that included our five hypothesizes show that the auditor's tenure duration, the auditor size and auditor's profession have a negative relation with the profit management; its means that each of these variables can makes a better control on the profit management. However, the auditor's independence couldn't show a significant relation with the profit management and couldn't have a negative effect on this variable. Finally, we found that the financing via bond issue has a positive and significant relation with the profit management and this result can be very important because by increase the financial lever, the profit management can be created too.

### Keywords

The profit management; financing; auditor size; auditor's tenure; auditor's profession

<sup>1</sup> Faculty Member of Accounting Department of Higher Education Institute, Naser Khosro, Saveh, Iran (Corresponding Author: m.moradi@hnhk.ac.ir)

<sup>2</sup> Instructor of Accounting Department of Higher Education Institute of Naser Khosro, Saveh, Iran (f.khoskar@hnhk.ac.ir)

<sup>3</sup> MSc Accounting Student, Nasser Khosro Institute of Higher Education, Saveh, Iran(Shabani.m@hnhk.ac.ir)